

جابجایی در شهر و پروژه منظر*

چکیده | موضوع «جابجایی پیاده در شهر» پارادایم کنونی پروژه‌های شهری و منظرین است. امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی خصوصاً فرانسه، شاهد راه‌اندازی پروژه‌هایی برای ساماندهی مسیرهایی در مقیاس شهر و حتی کلان‌شهر هستیم.

در این مقاله در ابتدا برای فهم بهتر جایگاه موضوع تفرجگاه‌های شهری و فراشهری مرور تاریخی مختصری از موضوع آورده شده است. سپس در ادامه برای تبیین گفته‌های نظری، سه پروژه که مبتنی بر ایده جابجایی پیاده در شهر اجرا شده‌اند؛ تحلیل شده‌اند. در این پروژه‌ها که در مقیاس‌های متفاوت شهری و کلان‌شهری هستند، متخصصین منظر دخالت مؤثر داشته‌اند و ارزش‌های منظرین نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌ان اتخاذ شده ایفا کرده‌اند.

این نمونه‌ها، از یک سو گواه تحولات شکلی در پروژه‌های منظر، و از سوی دیگر نشان‌دهنده نقش ساختاری جابجایی، به مثابه کانسپت و کاربرد پروژه‌های منظر در مقیاس‌های مختلف هستند. با شرح این سه نمونه، دو محور اصلی در زمینه جابجایی شهری قابل بیان است: اول، آگاهی فرد پیاده از عمل جابجایی و تجربه حاصل از آن و توانمندی او در تولید منظر؛ دوم، روشی که نوع جابجایی برای مشارکت در راهبرد بازتولید شهری اتخاذ می‌کند. همچنین می‌توان گفت میانه‌گرایی [رفت و برگشتی بودن] جوهر اصلی پروژه‌های منظر است؛ خواه موضوع تغییر منظر باشد خواه مدیریت آن.



فریدریک پوزن
معمار، استاد مدرسه
عالی معماری پاریس -
پل ویل، فرانسه

frederic.pousin@wanadoo.fr

ترجمه:
محمد آتشین‌بار

babak.atashinbar@gmail.com

واژگان کلیدی | پیاده‌راه شهری، تفرجگاه شهری، جابجایی، پروژه منظر.

تصویر ۷: پیاده راه سوت‌وارک و حباب شیشه‌ای نورمن فاستر که نقش تفرجگاه را در کنار تیمز تقویت کردند. مأخذ: آرشیو نگارنده.

Pic 7: Southwark path and Norman Foster's Glass Dome highlight the character of Thames Promenade. Source: archive of the author.

تصویر ۷
Pic7

مقدمه | موضوع «جابجایی پیاده در شهر» پارادایم کنونی پروژه‌های شهری و منظرین است. امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی خصوصاً فرانسه، شاهد راه‌اندازی پروژه‌هایی برای ساماندهی مسیرهایی در مقیاس شهر و حتی کلان‌شهر هستیم. این پروژه‌ها که بر جابجایی آرام در شهر تأکید داشته و عابری پیاده و دوچرخه‌سوارها را مخاطب قرار می‌دهد، گزینه تکمیلی پروژه‌های حمل‌ونقل عمومی و جابجایی سواره در شهر محسوب می‌شود. این‌ها اشکالی از ساماندهی‌های خطی هستند که در شهر فضای تنفس تولید کرده و با فضاهای جمعی ترکیب می‌شوند. این فضاها که بعضاً کاشته شده و منظرسازی شده‌اند، بی‌آنکه جزئی از دنیای به خصوص باغ باشند، از حال و هوای آن خصوصیات را به عاریه دارند. به این فضاها اغلب واژه «تفرجگاه»^۲ اطلاق می‌شود که البته شایسته است.

برای فهم بهتر جایگاه موضوع تفرجگاه‌های شهری و فراشهری چند عنصر تاریخی را می‌توان برشمرد. پیوند فضاهای باز و خلق مسیرهای پیاده‌روی مبتنی بر شبکه‌های پارک و باغ موضوعی است که در قرن نوزدهم و مصادف با ساماندهی شهر پاریس توسط «هوسمان»^۳ و مهندسين و متخصصان منظر آن زمان - «ژان شارل الفان»^۴ و «ژان پییر باریه دشان»^۵ مطرح شد. کمی پس از آن در اوایل قرن بیستم، این موضوع توسط «ژان کلود نیکلا فورستیه»^۶ به مثابه محرک توسعه شهرها تئوریزه شد. البته باید دانست که خود موضوع «جابجایی» از اهداف اصلی پروژه نبود، بلکه بیشتر نتیجه وجود شبکه‌ای از پارک‌ها و باغ‌ها بود که توسط «خیابان - تفرجگاه»^۷ تکمیل می‌شدند. نمونه آن خیابان «بوآ»^۸ به معنای جنگل [در پاریس است.

«مارسل پوئیت»^۹، تاریخدان و مستندنگار شهر پاریس، در اثری نوشته شده در اوایل قرن بیستم مربوط به تاریخ تفرجگاه از قرن ۱۷، به پیدایش مکان‌های تفرجی مانند حیاط، بولوار و پارک به مثابه فضاهایی که کاربر در آن خود را به معرض نمایش می‌گذارد، پرداخته است. لازم به ذکر است این فضاها همواره از درون شهر و خارج از خود فضا ادراک شده، و مخاطب پیش از هر چیز یک مخاطب اجتماعی است.

آگاهی مخاطب جابجاشونده در شهر که تولیدکننده منظر نیز هست، در اروپا از قرن ۱۸ و همگام با توسعه فلسفه احساس‌گرا^{۱۰} و نظریه زیباشناسی «پیتورسک»^{۱۱} پدیدار شد. باغ به واسطه پیوندهایی که با نقاشی داشت و موضوع اصلی آن را تشکیل می‌داد، در قالب مجموعه‌ای از تابلوهای منظر رؤیت شده توسط بیننده متحرک در آن، به نمایش در می‌آمد.

اعمال نظریه پیتورسک به فضای شهری، بسیار متأخر و مصادف با نو شدن این نظریه در انگلستان طی سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بوده و با تأثیر قوی پدیدارشناسی همراه و مبتنی بر اصالت جابجایی مخاطب (تحرك در شهر) است. نظریه‌های انگلیسی «چشم‌انداز شهری»^{۱۲} که به مرور زمان به اروپا و سایر نقاط جهان نیز اشاعه یافت، پیشنهاد طراحی فضاهای شهری را براساس جابجایی - خصوصاً پیاده - ارائه دادند که فضا را به شکل سکانس و زنجیره‌ای از سکانس‌ها در جهت تشکیل مجموعه‌هایی پویا تلقی می‌کرد و در آخر، به ابزاری برای پروژه شهری و ساماندهی شهرها بر مبنای ادبیات منظر بدل شد.

در نهایت طی سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، جابجایی در شهر، با ماشین و قطار توسط مهندسين و معماران و بالطبع با رویکرد تکنیکی و عملکردی مطرح شد. پس از آن، به واسطه پژوهش در باب ادراک فضا و اختراع تکنیک‌های بصری بود که تحولی رخ داد: زمین پس با سینما، شهر در خاطر جمع‌ای از داخل وسایل نقلیه ادراک می‌شود. براساس این میراث تاریخی و نظری، و همچنین پروژه‌ها و آثار برجسته، می‌توان امروزه مفهوم جابجایی در شهر، منظر و فرآیند ساماندهی را با واقعیت شهرها انطباق داد.

سه پروژه مبتنی بر کانسپت جابجایی در شهر معاصر که البته یک شهر - سرزمین^{۱۳} است؛ جهت تبیین گفته‌های نظری فوق، تحلیل خواهد شد. مقیاس این پروژه‌ها متفاوت بوده (شهری و کلان‌شهری) و در هر یک، متخصصین منظر در جهت اعتباربخشی به ارزش‌های منظرین کوشیده‌اند.

• نخست، پروژه تفرجگاه سبز «باستی - ونسین»^{۱۴} در پاریس



تصویر
Pic1

تصویر ۱: خط آهن باستی-ونسن و مسیر آن بر روی نقشه پاریس، ترسیم شده توسط خدمات جغرافیایی ارتش در سال ۱۹۳۷، مأخذ: fonds IGN, in Le Visiteur n°2, Spring 1996, pp. 30-31.

Pic 1: Bastille-Vincennes railway, extracted from "Plan 10000/1 of the Paris Region", prepared by the Survey Department of the Army, 1937. Source: fonds IGN, in Le Visiteur n°2, Spring 1996, pp. 31-30.

امروزه، تفرجگاه سبز باستی-ونسن، باغی خطی متشکل از سکانس‌های متعدد بوده و بیش از یک تفرجگاه عمل می‌کند: برشی واقعی در شهر. طرح، در حالی که پلی در ارتفاع هشت متری سطح زمین از میدان باستی تا «ژی» را در بر دارد، نمایشی دائمی از شهر را به مخاطب هدیه می‌کند. فضاهای زیر پل به شکل واحدهای تجاری با جداره‌ای شفاف درآمده‌اند. بی‌تقارنی دو طرف تفرجگاه چشم‌نواز است: در یک سو مسیر هماهنگ با نمای شهری کاملاً یک‌شکل خیابان «دومینیل»^{۲۶} بوده و دید گسترده‌ای به پیاده‌روهای درخت‌کاری شده خطی ارائه می‌دهد. سوی دیگر تفرجگاه، اختلاط ساختمان‌های کوچک، حیاط‌های غیرهم‌شکل و تعدادی کارگاه با شیروانی‌هایی از جنس فلز روی و کاشی، که ویژگی خیابان «فوبور سنت آنتوان»^{۲۷} بوده را به تصویر کشیده است (تصویر ۳). در هر دو سو، چشم‌انداز خیابان‌های عمود بر محور پل، مولد انقطاع‌های جذابی است که امکان خوانش منطقی تولید شهر را بر اساس راه‌ها نشان می‌دهد. می‌توان گفت این تفرجگاه، برشی از زمان، تاریخ شهر و مراحل متوالی آن است.

سکانس اول پروژه به باغ ژئی که گرد آن عملیات نوسازی شهری مهمی در جریان است گشوده می‌شود: یک سکانس هوایی. سکانس بعدی، برشی در محله «پیک پوس»^{۲۸} است که در آن، تفرجگاه در پایین و شهر در بالاست. بی‌تقارنی در اینجا نیز به چشم می‌خورد: یک سو، زمینی با شیب تند که در سایه دیواره‌های تیره‌رنگ مجموعه‌های مسکونی اطراف قرار گرفته و دیگر سو، زمین شیب‌دار آفتاب‌گیر و محدود به دیواره‌های سازمان‌های بشردوستانه لبه خیابان. در سوی تیره تنها یک مسیر دوچرخه‌سواری وجود دارد در حالی که در سوی روشن،

سالی که شهر «مارسی»^{۲۹} میزبان جشنواره پایتخت فرهنگی اروپا^{۳۰} بود؛ پروژه‌ای در مقیاس سرزمینی است که هدف نهایی انتقال نگاه به فضای فراشهری کلان شهر مارسی را دنبال می‌کند. این پروژه متکی بر فعالیت‌های مشارکتی با مدیریت هنرمندان، متخصصین منظر، متخصصین محیط‌زیست، معماران و شهرسازان بوده و حاکی از تنوع تخصص‌ها و دیسپلین‌هایی است که در پروژه‌های ساماندهی دخیل‌اند. چنین پروژه‌ای برخلاف سایر پروژه‌های ساماندهی، محصولات اصیل، خصوصاً هنری تولید می‌کند. برای مثال، پروژه مسیر تیمز برای برگزاری نمایشگاه به‌روی هنرمندان گشوده است، چنان‌که اقدامات هنری همچون نمایشگاه عکاسی (آبزروتوار) منظرهای استفاده شده^{۳۱} در قلب پروژه جای دارد. مسیر پیاده‌روی بزرگ ۲۰۱۳ پروژه‌ای چندبعدی و چندرشته‌ای است و علاوه بر تأکید بر وارد کردن ساکنین در پروژه‌ها، به جایگاه افزایشدهنده میانه‌گرایی [رفت و برگشتی بودن] نیز اشاره دارد.

پروژه تفرجگاه سبز باستی-ونسن

پروژه شامل تفرجگاهی سبز در پاریس از میدان «باستی»^{۳۲} تا جنگل‌های «ونسن»^{۳۳} در جنوب شرقی شهر احداث شده بر مسیر خط آهن بازمانده از سال ۱۹۶۹ است (تصویر ۱). ایده اصلی در سال ۱۹۷۰ در آتلیه شهرسازی پاریس^{۳۴}، به بازطراحی این خط آهن که در سال ۱۸۵۹ توسط هوسمان برای دسترسی شرق شهر به جنگل‌های ونسن کشیده شده بود، معطوف شد. از سال ۱۹۸۸ ساخت قسمت‌های مختلف پروژه تفرجگاه به صورت قطعه‌های متوالی آغاز شد: اولی در سال ۱۹۸۹ و آخری‌ها در سال ۱۹۹۵ افتتاح شدند (تصویر ۲).

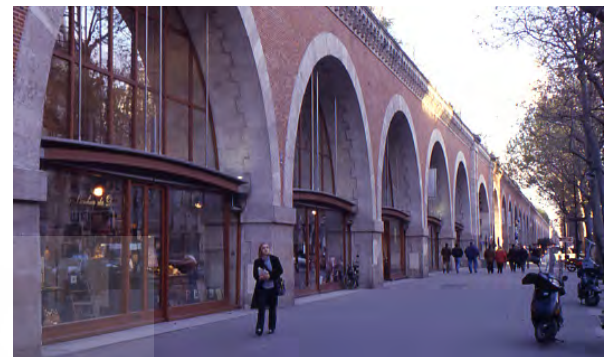
است که با اسم عام «مسیر سبز»^{۳۵} منطقه ۱۲ پاریس نیز شناخته می‌شود. این پروژه که به شکل یک باغ خطی افتتاح شد، مورد توجه منتقدان معماری قرار گرفت و امروز یک مرجع بی‌بدیل است. ارزش پروژه به توانمندی آن در خلق صحنه‌آرایی پویا از شهر در چشمان مخاطبین پیاده‌ای است که در آن حرکت می‌کنند و شهر را می‌بینند. این صحنه‌آرایی، هم‌زمان از اجزا و معنای شهر حکایت می‌کند. پروژه جریان سبز، عناصر تشکیل‌دهنده شهر را نیز برجسته نموده و مجموعه‌ای هماهنگ از پروژه‌های جدید را گرد هم می‌آورد. تجربه جابجایی در این پروژه، جوهر تحول در منظر شهری پاریس را تشکیل می‌دهد که مقیاس سرزمینی مبتنی بر اتصال و توسعه در آن نهادینه شده است.

• پروژه دوم، مسیر «تیمز»^{۳۶} در لندن، پروژه‌ای خطی کنار رودخانه تیمز است که رودخانه در آن، محرک بازتولید شهری است. این پروژه درآمدت که در سال ۱۹۷۰ آغاز شده و قلمرو کلان شهری وسیعی را دربردارد، دارای اهداف سیالی است که با تحولات مختلف زمانی و مناسبت‌ها به‌روزی می‌شود. انطباق‌پذیری، ویژگی اصلی پروژه حاضر است. مسیر تیمز در ظاهر خط قرمز رنگ باریکی است که قدرت آن در موفقیت در چشمان گردشگران، ساکنین محلی و کارمندان ادارات اطراف نهفته است. چنین پروژه‌ای امکان اثرگذاری بر پروژه‌های شهری و معماری و حتی پارادایم‌های اکولوژیک را نیز دارد. شایان ذکر است این نمونه، راوی قدرت‌گرفتن موضوع مشارکت در پروژه‌ها، خصوصاً پروژه‌های منظر است. در این جا یکی دیگر از خصوصیات پروژه منظر بروز می‌یابد: ارزش میانه‌گرایی^{۳۷} [رفت و برگشتی بودن].

• پروژه آخر که مسیر پیاده‌روی بزرگ^{۳۸} ۲۰۱۳ نام دارد،

تصویر ۳: نمای تفرجگاه سبز باستی-ونسن از سمت خیابان دومنیل (بالا)، دید از تفرجگاه به سمت خیابان فوبور سنت آنتوان (پایین).
 مأخذ: آرشیو نگارنده.

Pic 3: View of the Bastille-Vincennes promenade from Daumesnil street (up), view from the promenade to the Faubourg Saint-Antoine street (down).
 Source: archive of the author.



تصویر ۳
 Pic3

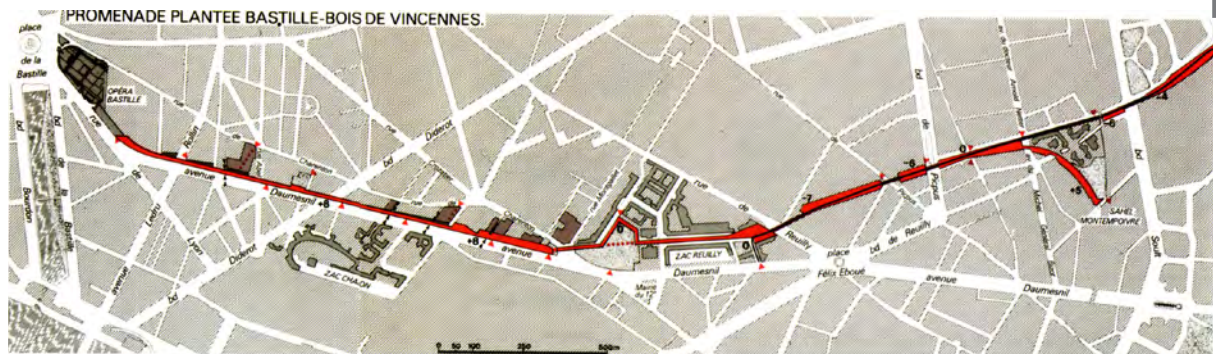
می‌گذارد، پرداخت. نتیجه این اقدام، برگزاری یک مسابقه معماری و منظر در سال ۲۰۰۴ بود که در آن، گروه معماران منظر «جیمز گریز» و «فیلد آپریشن»^{۳۹} و دفتر معماری «دیلر اسکوفیدیو + رنفرو»^{۴۰} جایگاه نخست را از آن خود کرد. قطعه اول پروژه به طول ۸۰۰ متر در ژوئن سال ۲۰۰۹ و قطعه آخر به طول ۳/۲ کیلومتر در پایان سال ۲۰۱۰ به اتمام رسید. مانند تفرجگاه سبز پاریس، این پروژه نیز برشی جذاب از منظر شهری را به مخاطبان، گردشگران و ساکنین عرضه می‌کند. در غرب پروژه، فضای انبارهای تخلیه کالا و رودخانه «هادسن»^{۴۱} در دوردست و در شرق، جریان‌های جابجایی سواره به خصوص خیابان دهم نیویورک به معرض نمایش گذاشته شده‌اند (تصویر ۵).

پروژه‌های لاین بر تحولات محلات اطراف از طریق مشارکت در طرح راهبردی توسعه نیویورک تأثیر به‌سزایی داشته است. دو پروژه مذکور که دارای جوهر صحنه‌آرایی

پل هوایی دومنیل و تفرجگاه سبز باستی-ونسن را بدون شک باید الگوی پروژه بازسازی «های لاین»^{۴۲} نیویورک در محله صنعتی «منهتن غربی چلسی»^{۴۵} دانست. پروژه‌های لاین نوعی به‌روزرسانی کانسپت تفرجگاه سبز پاریس، در بستری متفاوت و ۱۰ سال بعدتر است. در این محلات صنعتی، زیرساخت راه‌آهن جهت جابجایی کالا در انبارها احداث شده بود که از سال ۱۹۸۰ متروک مانده است. پروژه‌های لاین نوعی مرز میان انبارهای کالا و محلات مسکونی را تشکیل می‌دهد. این پروژه که زاده یک اقدام اجتماعی است توسط «انجمن دوستان های لاین»^{۴۶} (تأسیس دو شهروند نیویورکی^{۴۷} در سال ۱۹۹۹) با ایده تبدیل بازمانده راه‌آهن به تفرجگاه شکل گرفت (تصویر ۴). این انجمن با راهبرد «ارتباط»^{۴۸} به توجیه موضوع نزد مردم و دستگاه‌های سیاسی، برگزاری نمایشگاه و انتشار آثاری که کیفیت‌های منظرین مکان را به نمایش

فضاهای بازی، پله و کوچه‌های شیب‌دار متنوع، تفرجگاه را به سطح شهر در بولوار پیک پوس پیوند می‌دهد. قطعه «مونتان پوآور»^{۴۹} که سکانس بعدی را تشکیل می‌دهد میزبان باغ «شارل پگی»^{۵۰} است که در خود، عملیات مسکن‌سازی و تجهیزات شهری بر سطوح وسیع آزاد شده توسط بقایای خط آهن را جای می‌دهد. در این ارتفاع، پروژه با کمربندی کوچک پاریس^{۵۱} (خط آهن قدیمی گرد شهر که امروزه کارکرد خود را از دست داده است) پیوند می‌خورد که حاکی از منطق ساماندهی حلقوی توسعه پاریس است: بولوارهای «ماره شو»^{۵۲} و کمربندی؛ برشی قاطع میان پاریس و حومه، احداث شده بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۳ بر روی آثار استحکامات قدیمی. آخرین سکانس تفرجگاه، از ناحیه غیرقابل ساخت استحکامات گذر کرده و در طول بولوار کمربندی ادامه می‌یابد تا در مرز شهرستان «سن مانده»^{۵۳} پایان یابد.

تصویر ۲
 Pic2



تصویر ۲: تفرجگاه سبز باستی-ونسن، طرح مربوط به سال ۱۹۷۰، مأخذ: Demangeon & Werquin, 2006: 30

Pic 2: Bastille-Vincennes Green Promenade, 1970. Source: Demangeon & Werquin, 30:2006.



تولید منظر براساس تجربه جابجایی و آگاهی عابر پیاده از این تجربه و همچنین روشی که نوع جابجایی برای مشارکت در راهبرد بازتولید شهری اتخاذ می‌کند، دو موضوع اصلی در ساماندهی جابجایی هستند. همچنین می‌توان گفت میانه‌گرایی [رفت و برگشتی بودن] جوهر اصلی پروژه‌های منظر است؛ خواه موضوع تغییر منظر باشد خواه مدیریت آن.

رودخانه تیمز با بیش از ۵۰ کیلومتر طول در کلان‌شهر لندن، مولد پروژه‌هایی با هدف تکثیر فضای سبز، پارک و تفرجگاه و جانمایی آن‌ها در یک شبکه بوده است. پروژه مسیر تیمز با شبکه‌های سبز دیگری چون «پیاده‌راه زنجیر سبز»^{۵۵} (۶۴ کیلومتر مسیر جابجایی پیاده و دوچرخه) که خود، پارک‌ها و فضاهای آزاد جنوب کلان‌شهر را شبکه‌وار متصل می‌کند، پیوند خورده است.

در مقابل محله بزرگ اداری «داکلند»^{۵۶}، در شبه جزیره «گرینویچ»^{۵۷} (به مساحت ۱۲۱ هکتار)، پیش‌بینی شده بود که یک ششم سطح محله با فضاهای سبز متراکم پوشانده شود. نخستین پارک با ایده بازگشت به وضعیت پیش از صنعتی شدن، در سال ۱۹۹۸ توسط «میشل دووینی»^{۵۸} معمار منظر فرانسوی، با قراردادن یک بافت گیاهی در ورودی آن آغاز شد. مسیر کاشته‌شده‌ای از درختان بلوط و توسکا زمین‌های پاک‌سازی شده پیش از استقرار مسکن‌ها را پوشش می‌داد. این سطوح، تشکیل دهنده مرکزی میان روستای اکولوژیک اثر «رالف ارسکین»^{۵۹} (ساخته شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴) و مسیر تیمز است (تصویر ۸).

شهرستان‌های کناره‌ای رودخانه به دنبال استفاده از امکانات و پتانسیل‌های جدید پروژه مسیر تیمز هستند که البته، طرحی قاطع ندارد؛ بعضاً دارای ویژگی شهری

فضای کوچک اسکله، اختلاطی از کاربری‌های اداری، تجاری، رستوران و غیره را در محیط تفریحی بندرگاهی گرد هم آورد. در ۲۵ امین سالگرد سلطنت ملکه انگلستان، قطعه‌ای از مسیر پیاده روی در مقابل تئاتر ملی^{۴۵} و بنای جشنواره سلطنتی^{۴۶} پرروی رودخانه احداث شد. پس از آن بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ اقدامات کلیدی متوالی شامل توسعه خط مترو، افتتاح موزه هنر معاصر «تیت مدرن»^{۴۷}، احداث گذرگاه «میلیوم»^{۴۸} و چرخ و فلک «لندن آی»^{۴۹} در این پروژه صورت گرفت که ویژگی کناره جنوبی رود را رقم زده‌اند (تصویر ۶). با توجه به این‌که طرح جامع نسبتاً انعطاف پذیر بوده و به جهت‌گیری‌ها و اصول کلی در این ناحیه شهر بسنده کرده بود، اجرای این پروژه‌ها به سهولت انجام شد.

در بخش مرکزی تفرجگاه با نام «سوت‌وارک»^{۵۰} که به دلیل معضلات متعدد تهدید به تخریب شده بود، انجمن اجتماعی «کین استریت آکشن گروپ»^{۵۱}، پس از ۷ سال مبارزه موفق به نجات ساختمان «اکسو»^{۵۲} و تبدیل آن به نمایشگاه شد که جزئی از پروژه تفرجگاه کناره رودخانه شد. در سال ۱۹۹۸ تفرجگاه سوت‌وارک پذیرای شبکه پیاده‌راه ممتدی تا رودخانه بود و در سال ۲۰۰۲ طرح حساب شیشه‌ای «نورمن فاستر»^{۵۳} برای ساختمان مدیریت عالی لندن^{۵۴} نقش عمومی تفرجگاه را نهادینه کرد (تصویر ۷).

پویای شهری از طریق احداث تفرجگاه بر بقایای یک زیرساخت قدیمی‌اند، محرک‌های تأثیرگذاری در تحول منظر شهری بوده‌اند و ویژگی بارز آن‌ها ایفای نقش دستگاهی برای نظاره شهر است.

مسیر تیمز

خلق مسیری گذرنده از محله‌ها و تجهیزات شهری در طول رودخانه تیمز در قلب شهر لندن، در راهبردی مجموعه‌ای به ارزش افزایی این رودخانه پرداخته است. این راهبرد توسط شورای عالی لندن^{۴۲} (که دارای قدرت دولتی از ۳۲ حومه و خود شهر لندن است) در سال ۱۹۶۹ ارائه شد که رودخانه را به خاطر فضاهای قابل ساماندهی برای انواع تفریحات و سرگرمی‌ها، بزرگترین پتانسیل توسعه آینده شهر تلقی می‌کرد. پس از این تاریخ، میل به بازتولید شهری در قالب مجموعه‌ای از اقدامات صورت گرفت و طی ۳۰ سال منتج به تمرکز بر رودخانه شد.

به موازات تولید پارک خطی مذکور، کناره‌های رودخانه تیمز متحمل برنامه‌های متعدد ساخت و ساز شد که شروع آن قطعه مرکزی بود. اولین حوضچه در سال ۱۹۷۲ با استفاده از الگوهای آمریکایی «بالتیمور» و «بوستون»^{۴۳} در اسکله «سنت کاترین»^{۴۴} لندن احیاء شد. مدیریت شهری با همکاری سرمایه‌گذاران خصوصی موفق شد در

تصویر ۴: پروژه های لاین با ایده تبدیل بازمانده راه آهن به تفرجگاه شکل گرفت، مأخذ: آرشیو نگارنده.

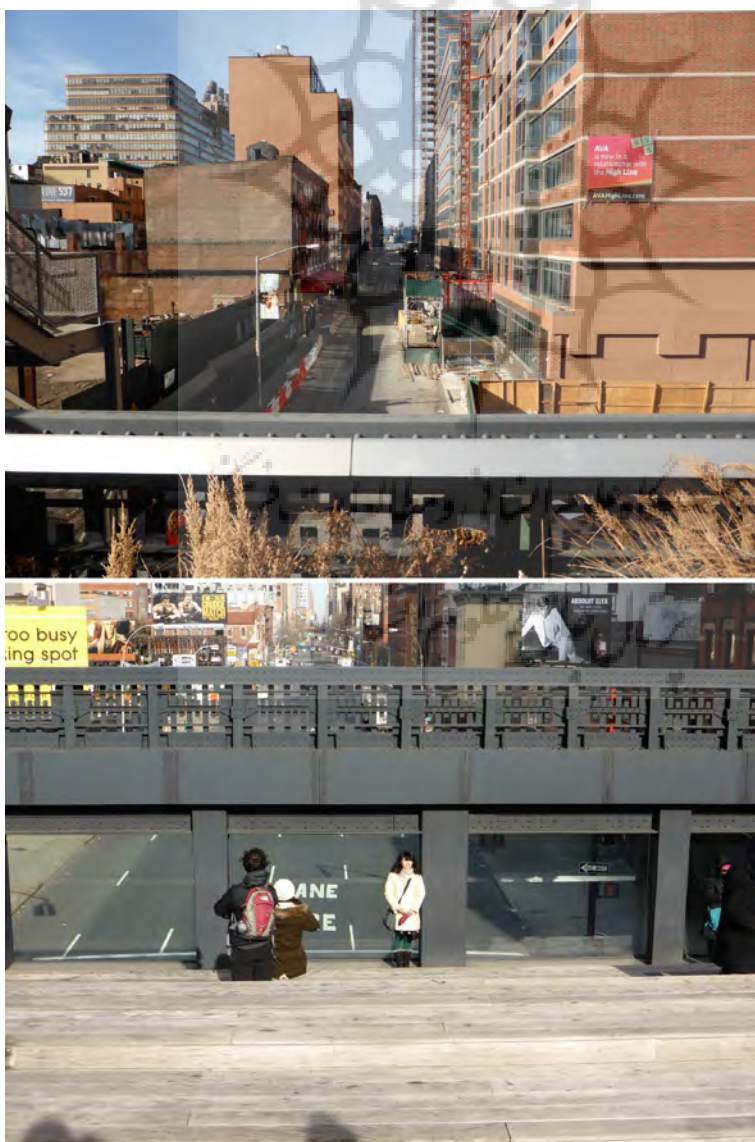
Pic 4: The High Line Project is built on the idea of repurposing the railway into an urban walkway.

Source: archive of the author.

تصویر ۵: ویژگی بارز پروژه های لاین ایجاد دستگاہی برای نظاره شهر است. فضای انبارهای تخلیه کالا و رودخانه هودسن در دوردست (بالا) و خیابان دهم نیویورک (پایین). مأخذ: آرشیو نگارنده.

Pic 5: The High Line Project is characterized as a machine for watching the urban tissue. The warehouses and the Hudson River in the distance (up), and 10th avenue (down).

Source: archive of the author.



تصویر ۵
Pic5

یا روستایی، عریض یا باریک، فضاهای کاشته شده و یا معدنی است. انعطاف پذیری فرم آن، توانمندی اش در انطباق با زمینه، اختلاط اشکال، و همچنین موقعیت آن به عنوان «بالکنی رو به رودخانه» هویت آن را شکل می دهند (تصویر ۸).

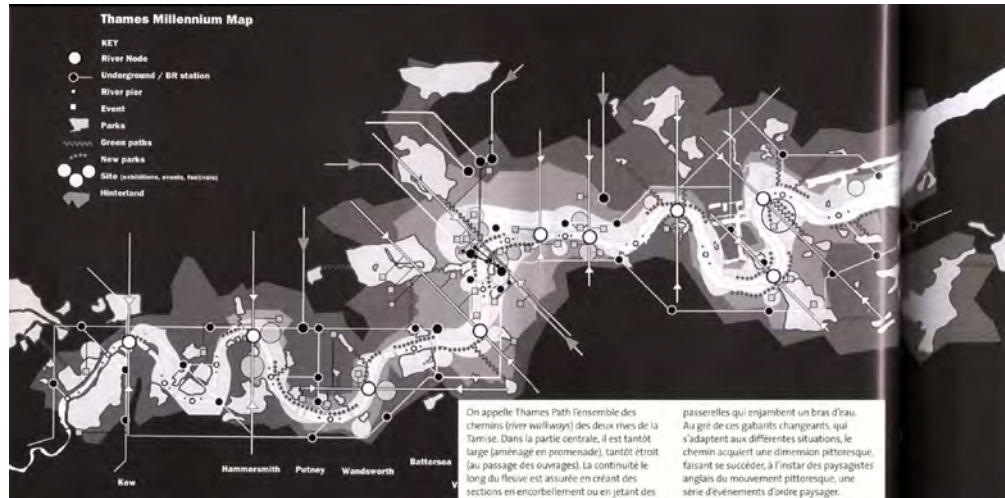
مسیر تیمز چیزی بیش از یک گذرگاه در میان محلات و تجهیزات شهری، و ضامن تداوم محلات موجود مرکزی به سوی محلات جدید کنار رودخانه است. نفوذپذیری فضاها توسط مسیرهای طراحی شده برای جمعیت کلان شهر لندن ارزشی معادل یک پارادایم شهری دارد تا آن جا که می تواند مشوق تشکیل انجمن های اجتماعی باشد. به علاوه، این پروژه در شبکه ای وسیع تر از پیاده راه های سرزمینی قرار دارد که به تجربه و کشف مکان های طبیعی می انجامند. پروژه حاضر پاسخی به تمایلات طبیعت گرایانه و حتی اکولوژیک گروه های اجتماعی بوده و همین موضوع گواه نفوذ آن در برنامه های دوستداران محیط زیست مانند روستای اکولوژیک شبه جزیره گرینبیچ است.

مسیر پیاده روی بزرگ ۲۰۱۳

این پروژه در سال ۲۰۱۰ و در چارچوب برنامه ماری و حومه پایتخت اروپایی فرهنگ ۲۰۱۳ با همکاری «باتیست لانسپیز»^{۶۰}، متخصص گیاه شناسی، و با هدفی فرهنگی آغاز شد. پیشنهاد وی احداث یک مسیر پیاده روی کلان شهری با همکاری هنرمندان مختلف بود، که در راستای ایجاد نگاهی نو به قلمرو کلان شهری متشکل از شهر، طبیعت و مناطقی که امروز فراشهری خوانده می شود، شکل می گرفت. پروژه در طول ۳۶۵ کیلومتر به شکل ∞ گرد دو بستر طبیعی غیر قابل ساخت اجرا شده است. این بسترها عبارتند از مرداب عظیم «پِر»^{۶۱} در غرب، که هوای آن بسیار آلوده است و تپه های سنگی «اتوال» و «گارلابان»^{۶۲} در شرق، که ناهمواری

تصویر ۶: طرح ریچارد راجرز برای کناره رود تیمز شامل مجموعه‌ای از پروژه‌ها برای ۱۹ منطقه لندن (۱۹۹۶). مأخذ: Demangeon & Werquin, 2006: 70

Pic 6: Master plan of the Thames riverside by (Richard Rogers, 1996), presenting a series of projects for 19 district of Greater London. Source: Demangeon & Werquin, 70:2006.



متخصصان منظر و متخصصان محیط‌زیست مشارکت‌کننده در پروژه نیز هست (تصویر ۱۰). این راهنما به مثابه ابزار فهم پروژه عمل می‌کند: خوانا و قابل‌رویت ساختن تغییر نگاه مخاطب به قلمرویی که به دنبال تولید آن است. سخن سردبیر با عنوان «فرهنگ قلمرو» و دیباچه با عنوان «هنر پیاده‌روی در بستر فراشهری» به وضوح حامل پیام پروژه مسیر پیاده‌روی بزرگ ۲۰۱۳ هستند. شکل چاپ‌شده نهایی کتاب، نتیجه همکاری دست‌اندرکاران متعددی است؛ اگرچه تأثیر هنرمندان بر خط کلی پروژه کوچک به نظر می‌رسد اما این سند راهنما، تعداد زیادی پروژه‌های کوچک هنری را در خود جای داده که هر یک حاکی از روش منحصر به فرد هنرمند آن در برخورد با قلمرو است.

به‌گونه‌ای که پروژه منظر، مسیر پیاده‌روی بزرگ ۲۰۱۳ یا فراتر از کالبد صرف گذاشته و به ابزاری پیش‌رونده می‌ماند که حضور شاخص تک‌تک دست‌اندرکاران در آن الزامی است. این پروژه در زمانی کوتاه اجرا شده: پیشنهاد آن در آوریل ۲۰۱۰ و فاز نهایی آن در مارس ۲۰۱۳ اتمام یافت. لازم به ذکر است که این پروژه، در حالی که ۴۶ درصد آن را طرح استانی مسیرهای گردشگری و پیاده‌روی که از پیش موجود بوده پوشش می‌دهد، با چهار پروژه مشابه دیگر نیز پیوند خورده است.

راهنمای توپولوژیک پروژه شامل هفت سکانس ۵۰ کیلومتری است که هر کدام، برنامه پیاده‌روی ۲ تا ۳ روزه‌ای را پیشنهاد داده‌اند. ویژگی سکانس‌ها تنوع حداکثری فضایی است که از آن عبور می‌شود: جاده، پیاده‌رو، مسیرهای سبز، راه‌های خاکی، راه‌های سنگ‌کاری شده روستایی و تپه‌ماهورها که به‌طور هم‌زمان، فضاهای شهری، فراشهری، تاریخی، روستایی و طبیعی محافظت‌شده را در خود جای داده‌اند. این تنوع فضایی برای مخاطب، نمایشی تصویرشدنی را به ارمغان می‌آورد که در برخی نقاط، از ارتفاعات تپه‌ها به پانورامایی از شهر ماریسی و دریای مدیترانه گشوده می‌شود. از این نقاط، گویی شهر در دست مخاطب است. چنین حسی تضاد سکانس‌های شهری را نزد مخاطب نظاره‌گر به حداکثر می‌رساند. تجربه پیاده‌روی

اقدام به کشف پوشش گیاهی محلی و استفاده‌های خلاقانه از آنان می‌کند) و «هندریک استورم^{۷۳}» (هنرمندی که با تکنیک پیاده‌روی و جابجایی در قلمرو، به معرفی عمق تاریخی و شاعرانه آن را به شیوه‌ای باستان‌شناس می‌پردازد) را گرد هم آورده است. همچنین در آن، شاهد پروژه‌ای جغرافیایی و منظرین برای شخصیت‌دهی به فضا و فعالیت‌های جاری در آن هستیم. فضاهای طبیعی قلمرو کلان شهری چند گونه‌اند: (۱) فضاهای طبیعی مشخص، حفاظت‌شده، ثبت‌شده، مختص گردشگری و تفریح چون «لانک»، «سنت ویکتوار»، «گرلابان»^{۷۴}؛ (۲) فضاهای پیکرتر برای شکار مانند تپه‌های ایتوال؛ (۳) فضاهای طبیعی که تجهیزات صنعتی را در خود جای داده‌اند؛ (۴) لبه‌های گیاه‌کاری شده توسعه‌یافته میان ساخت و سازها، که متخصصان منظر به آن نام «منظر سوم^{۷۵}» داده و مورد توجه هنرمندان است؛ (۵) باغ‌های متعلق به مسکن‌های کارگری و فضاهای سبز مجتمع‌های مسکونی بزرگ. «نیکولایمن^{۷۶}»، جغرافی‌دان، این قلمرو را نقشه‌برداری کرده و «ژوفروا ماتیو^{۷۷}» و «پرتران استوفلیت^{۷۸}» عکاس، آن را تحت عنوان «منظرهای استفاده‌شده^{۷۹}» ثبت کرده‌اند. امروزه، طبیعت هزارلایه سرزمین‌های محافظت‌شده (قلمروهای ثبت‌شده، پارک‌های منطقه‌ای، پارک‌های ملی، ...) خالق امکان‌مندی‌ها و کاربردهای متنوع است و اکولوژی شهری در این حوزه، بینش اکوسیستم‌ها و تداومی که با عنوان مسیر سبز^{۸۰} بروز یافته را معرفی می‌کند.

در آخر، شایان ذکر است که این پروژه همچنین یک کار انتشاراتی است. برای این پروژه، یک راهنمای توپولوژیک توسط انجمن گردشگران اهل ماریسی و کمیته استانی پیاده‌روی بوش دوزن تهیه شده که با همکاری انتشارات «وایلد پراجکت^{۸۱}» که «باتیست لانسپیز^{۸۲}» بنیان‌گذار آن است و فدراسیون فرانسوی پیاده‌روی پدید آمده است. این سند، اطلاعات نقشه‌برداری و برنامه‌ریزی ضروری برای پیاده‌روی را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد و بیش از آن که یک راهنمای صرف باشد، تاریخ پروژه و اهداف اصلی آن را در حالی منتقل می‌کند که پذیرای دست‌آوردهای هنرمندان، تاریخ‌دانان، جغرافی‌دانان،

مشخص محدوده را تشکیل داده و دره «هون^{۸۴}»، دره معدنی «گاردان^{۸۵}» و بزرگراه «اکس-ماریسی^{۸۶}» گرد آن گسترده‌اند (تصویر ۹).

این پروژه در مقایسه با دو نمونه پیشین تغییر مقیاس محسوسی دارد. در نمونه لندن، مسیر به صورت تنگتنگ با رودخانه پیوند خورده و اهمیت خود را از بازی با کلیت جغرافیایی و منظرین در فرآیند توسعه شهر و سرزمین یافته است. در نمونه ماریسی، خود عبور قلمروها بوده که منشأ شناخت و ضامن تحول آن است. این موضوع چنانکه «ژاک سیمون^{۸۷}»، معمار منظر پروژه بیان داشته، نیازمند تولید نگاهی است منطبق با تفکر «آن‌هایی که شهر را تجربه می‌کنند».

مسأله جابجایی و برش قلمرو، امروزه فراتر از حوزه شهرسازی عملکردها بوده و وارد تفکر شهرسازی می‌شود. مصداق این گفته طرح پیشنهادی گروه معماران و شهرسازان ایتالیایی «سچی. ویگانو^{۸۸}» برای مسابقه کلان‌شهر پاریس بزرگ^{۸۹} در سال ۲۰۰۹ است که طرح آن، دو محور اصلی نفوذپذیری کالبدی، اجتماعی و فرهنگی به مثابه پارادایم کنونی شهرسازی از یک سو، و هویت‌دهی به عناصر روزمر که نیازمند نگاهی جدید و اعتباربخش است را از سوی دیگر، جوهر کار خود قرار داده بود.

بنابراین پروژه مسیر پیاده‌روی بزرگ ۲۰۱۳ بیش از یک مسیر پیاده‌روی کلان‌شهری بوده و عبارت است از پروژه سرزمینی پیچیده‌ای که مرزهای آن همچنان مبهم است. در حقیقت سخن از پروژه‌ای فرهنگی در میان است که با توجه به پیشینه فرهنگی قلمرو ماریسی و حومه در پیاده‌روی، به این فعالیت اعتبار دوباره بخشیده است. شایان ذکر است در اواخر قرن نوزدهم، استان «بوش دوزن^{۹۰}» (استانی در جنوب فرانسه با مرکزیت ماریسی) به واسطه انجمن گردشگران اهل ماریسی^{۹۱} (تأسیس ۱۸۹۷، قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین انجمن محلی پیاده‌روی فرانسه)، از مراکز پیشرو در تفریح پیاده‌روی بوده است. امروزه این استان دارای ۱۱۸ انجمن پیاده‌روی بوده که در فرانسه منحصر به فرد است.

نمونه معرفی‌شده، یک پروژه هنری نیز هست که هنرمندانی چون مجموعه «سفی^{۹۲}» (گروهی هنری که



تصویر ۸: فضاهای سبز ایجاد شده در کناره تیمز که با هدف بازگشت به منظر پیش از زمان صنعتی شدن ایجاد شده‌اند. مأخذ: آرشیو نگارنده.

Pic 8: green spaces alongside the thames look back to the pre-industrial era. Source: archive of the author.

در این پروژه به واسطه شکل زنجیروار و متوالی فضاهای متفاوت، حامل کانسپت نفوذپذیری است. ابزارواتوار عکاسی منظرهای استفاده‌شده، اقدامی هنری است که با حمایت بنیاد ماریسی و حومه ۲۰۱۳ در قلب پروژه جای گرفته است. این اقدام، ابزاری ملی و سازمانی با هدف مستندنگاری تحولات منظر است که در یک چارچوب سیال و قابل انطباق با زمینه به مدیریت منظر می‌پردازد؛ در پروژه، طی ده سال و از صد نقطه پیش‌بینی شده برای عکاسی، چهل نقطه به دست عکاسان ثبت شد و شصت نقطه دیگر به سلیقه مخاطب واگذار گردید که مولد یک پویایی میانه‌گرا [رفت و برگشتی] میان پروژه و مخاطب بود (تصویر ۱۱). پروژه مسیر پیاده‌روی بزرگ ۲۰۱۳ مدخله هنری را در قلب پروژه منظر جای داد و از این طریق به پیوندهای اصیل منظر با نقاشی و هنر استحکام بخشید.

نتیجه‌گیری | این نمونه‌ها، از یک سو گواه تحولات شکلی در پروژه‌های منظر، و از سوی دیگر نشان‌دهنده نقش ساختاری جابجایی، به مثابه کانسپت و کاربرد پروژه‌های منظر در مقیاس‌های مختلف هستند. با شرح این سه نمونه، دو محور اصلی در زمینه جابجایی شهری قابل بیان است: اول، آگاهی فرد پیاده از عمل جابجایی و تجربه حاصل از آن و توانمندی او در تولید منظر؛ دوم، روشی که نوع جابجایی برای مشارکت در راهبرد بازتولید شهری اتخاذ می‌کند. همچنین می‌توان گفت میانه‌گرایی [رفت و برگشتی بودن] جوهر اصلی پروژه‌های منظر است؛ خواه موضوع تغییر منظر باشد خواه مدیریت آن.

پی‌نوشت

- * این مقاله در مرداد ماه ۱۳۹۴ در همایش چهارم پدیدارشناسی منظر شهری با عنوان «تجسم منظر شهری» که توسط پژوهشکده نظرو با حمایت سازمان زیباسازی شهر تهران برگزار شد، ارائه شده است.
۱. Traversée urbaine par la marche.
۲. Promenade.
۳. Eugène HAUSSMANN.
۴. Jean-Charles ALPHAND.
۵. Jean-Pierre BARILLET-DESCHAMPS.
۶. Jean-Claude Nicolas FORESTIER.
۷. Avenue-promenade.
۸. Avenue du Bois.
۹. Marcel POËTE.
۱۰. Philosophie sensualiste.
۱۱. Théorie esthétique du pittoresque.
۱۲. Townscape.
۱۳. Ville-territoire.
۱۴. La promenade plantée de Bastille-Vincennes.
۱۵. Coulée verte.
۱۶. The London Thames Path.
۱۷. Valeur de Médiation.
۱۸. Le chemin de Grande Randonnée 2013.
۱۹. ((GR2013
۱۹. Marseille.
۲۰. Capitale Européenne de la Culture.
۲۱. Observatoire photographique des paysages usagés.
۲۲. la place de la Bastille.
۲۳. Bois de Vincennes.
۲۴. APUR (Atelier Parisien d'Urbanisme).
۲۵. Reuilly.
۲۶. Daumesnil.
۲۷. Faubourg Saint-Antoine.
۲۸. Picpus.
۲۹. Montempoivre.
۳۰. Charles Péguy.
۳۱. Petite Ceinture de Paris.
۳۲. Boulevard des Maréchaux.
۳۳. Saint-Mandé.
۳۴. High-Line.
۳۵. Manhattan West Chelsea.
۳۶. The Friends of the High Line.
۳۷. Joshua DAVID & Robert HAMMOND.
۳۸. Communication.
۳۹. James Corner /Field Operation.
۴۰. Diller Scofidio + Renfro.
۴۱. The Hudson River.
۶۵. Gardanne.
۶۶. Aix-Marseille.
۶۷. Jacques Simon.
۶۸. Secchi-Vigano.
۶۹. Grand Prix de l'Agglomération Parisienne.
۷۰. Bouches-du-Rhône.
۷۱. Association des Excursionnistes marseillais.
۷۲. Collectif SAFI.
۷۳. Hendrick STURM.
۷۴. Calanques, Sainte-Victoire, Garlaban.
۷۵. Tiers Paysage. اصطلاح منظر سوم، توسط ژیل کیلمان، معمار منظر فرانسوی، به فضاهایی اطلاق شد که بشر، مداخله در تحول منظر آن را پس از مدتی رها کرده است. نمونه آن فضاهای رها شده شهری و روستایی، کناره جاده‌ها و مسیرهای راه‌آهن هستند (مترجم). مأخذ: <http://www.gillesclement.com/cat-tierspaysage-tit-le-Tiers-Paysage>
۷۶. Nicolas MEMAIN.
۷۷. Geoffroy MATHIEU.
۷۸. Bertrand STOFLETH.
۷۹. Paysages Usagés.
۸۰. Trame Verte.
۸۱. Wild Project.
۸۲. Baptiste Lanaspèze.
۴۲. (The Greater London Council (GLC).
۴۳. Baltimore & Boston.
۴۴. Saint Katherine Docks.
۴۵. The National Theater.
۴۶. The Royal Festival Hall.
۴۷. Tate Modern.
۴۸. Millenium.
۴۹. London Eye.
۵۰. Southwark.
۵۱. Coin Street Action Group.
۵۲. OXO.
۵۳. Norman FOSTER.
۵۴. Greater London Authority.
۵۵. Green Chain Walk.
۵۶. Docklands.
۵۷. The Greenwich Peninsula.
۵۸. Michel DESVIGNE.
۵۹. Ralph ERSKINE.
۶۰. Marseille Provence Capitale Européenne de la Culture.
۶۱. Baptiste LANASPEZE.
۶۲. Berre.
۶۳. Etoile, Garlaban.
۶۴. Huveaune.

Walking in the City and Landscape Project

Frederic Pousin
Architect, Professor at architecture school of
Paris-Belleville, France
frederic.pousin@wanadoo.fr

Translated from French by Mohammad Atashinbar
babak.atashinbar@gmail.com

Abstract | This article presents the subject of urban walkways as a current topic for urban projects and landscape. Indeed, we see today developing in many European countries, France in particular, projects on different scales that organize courses in the town or across larger territories like those of cities. At first, to better understand the issue of urban and peri-urban promenade and the terms in which it arises, the history of the subject is recalled. Then, three projects which are based on the idea of crossing the city are presented. In these examples, the landscape projects at different scales in the urban and metropolitan areas, landscapers have intervened and the values held by the landscape have played decisive roles.

Through these three examples it's shown how the theme of urban crossing is built today on two principal bases: on the one hand the consciousness of pedestrian of the act of displacing and his experience, that results in the capacity of producing landscape. On the other hand, how the crossing is part of a broader strategy of urban regeneration, and taking advantage of obsolescence of certain infrastructure, industrial equipment or even abandoned areas.

Keywords | urban walkways, displacement, urban promenade, landscape project.

* This article is presented at the 4th Conference of Phenomenology of Urban Landscape, titled "Visualization of Urban Landscape", in August 2015, in Tehran.

Bibliography

- Demangeon A., Werquin A. C. (2006). *Jardins en ville. Nouvelles tendances, nouvelles pratiques*. Dominique carré éditeur. Paris.
- Maniaque C. (2010). High Line New York. *Archiscopie*. N° 96.
- Marot S. (1996). «Bastille-Vincennes, visite de la

promenade plantée». *Le Visiteur*. N° 2.

- (2013). *Topoguide GR 2013 Marseille-Provence*. éditions Wild Project. Marseille.
- Mathieu G., Stofleth B. (2013). *Paysages usagés*. éditions Wild Project. Marseille.

تصویر ۱۰: راهنمای گردشگری مسیر پیاده روی بزرگ ۲۰۱۳ به مثابه ابزار فهم پروژه کمک می‌کند و بیش از آنکه یک راهنمای صرف باشد، تاریخ پروژه و هدف اصلی آن را بیان می‌کند: تغییر نگاه مخاطب به قلمرویی که در تولید آن دخیل است. مأخذ: Topoguide GR 2013, 2013

Pic 10: The tourist brochure of GR 2013 is more than a practical guide. It transmits the history of the project and its main purposes. It works as a tool for understanding the project. Source: Topoguide GR 2013, 2013.

تصویر ۹: مسیر پیاده روی بزرگ ۲۰۱۳ حول دریای پرو تپه‌های سنگی اتوال و گارلابان. مأخذ: Topoguide GR 2013, 2013

Pic 9: le grande randonnée 2013 around the hills of Etoile and Garlaban. Source: Topoguide GR 2013, 2013.

تصویر ۱۰
Pic10

